

نقش عربستان سعودی در گسترش اندیشه تکفیر در جهان اسلام معاصر

امین کوشکی (نویسنده مسئول)

دکتری علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
Amiankoushki89@gmail.com

ابوذر عمرانی

دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Ahoora@131_yahoo.com

چکیده

اندیشه تکفیر به جریان سلفی‌گری و بازگشت به اندیشه و رویه سلف صالح ارجاع داده می‌شود و دارای ویژگی‌هایی مانند ظاهرگرایی، افراط و خشونت است. مواردی مانند ارجاع به سلف صالح و تقدس واژه‌هایی مانند خلافت، جهاد و شهادت و مسائلی مانند جهل و ناآگاهی در کنار حمایت کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا از عربستان سعودی از مهم‌ترین دلایل گسترش اندیشه تکفیر در جهان اسلام بوده است. پژوهش حاضر ضمن توجه به مباحث مطروحه قصد دارد نقش عربستان سعودی در گسترش اندیشه تکفیر را بررسی کند. در این راستا پرسش این است که عربستان سعودی چه نقشی در گسترش اندیشه تکفیر در جهان اسلام در دوره معاصر داشته است؟ با توجه به اینکه رویکرد سلفی‌گری و تکفیر از صدر اسلام تاکنون توسط اشخاص و گروه‌های مختلفی مانند احمد بن حنبل، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب مورد حمایت و تبلیغ واقع شده و این رویکرد در قالب وهابیت، مذهب رسمی عربستان سعودی را شکل داده است، فرضیه این است که گسترش اندیشه تکفیر به معنای گسترش ایدئولوژی رسمی عربستان سعودی و به همین جهت مورد حمایت و تبلیغ این کشور است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عربستان سعودی با رویکردهای آموزشی، تبلیغاتی - رسانه‌ای و حمایت مالی از اندیشه تکفیر و جریان‌های تکفیری حمایت گسترده‌ای به عمل آورده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به نقش عربستان سعودی در گسترش اندیشه تکفیر پرداخته است.

واژگان کلیدی: اندیشه تکفیر، سلف صالح، سلفی‌گری، وهابیت، عربستان سعودی.

مقدمه

دین اسلام از دوره حضرت محمد (ص) تا کنون، با مسائل مختلف درون دینی و برون دینی مواجه بوده است. اسلام بعد از وفات پیامبر در قالب نهاد خلافت تا دوره خلافت عثمانی ادامه پیدا کرد. بعد از سقوط دولت عثمانی، کشورهایمانند عربستان سعودی، عراق و مذهبمانند وهابیت در جهان اسلام شکل گرفتند. پس از آن قدرت‌های بزرگ مانند انگلستان نیز سعی در نفوذ بیشتر در خاورمیانه و جهت‌دهی به تحولات کشورهای مسلمان داشته و سعی کردند کشورهای اسلامی را در جهت منافع خود همراه سازند. یکی از این کشورها عربستان سعودی است که بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی با کمک کشورهای انگلستان و فرانسه در منطقه پدید آمد. در این مرحله ابن سعود یک رژیم مبتنی بر پادشاهی در عربستان به وجود آورد و با هم‌پیمانی با محمد بن عبدالوهاب، مذهب وهابیت را در این کشور به صورت رسمی شکل داد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۹۳). این مذهب بر پایه اصول مذهب حنبلی و تکیه بر آراء و اندیشه‌های ابن تیمیه پدید آمد. با شکل‌گیری این مذهب شکاف و تفرقه در جهان اسلام شدت گرفت؛ زیرا این گروه معتقد به بازگشت به شیوه سلف صالح و تکفیر سایر افراد چه غیر مسلمان یا حتی مسلمانانی بودند که به مبانی اعتقادی و رویه آن‌ها فکر و عمل نمی‌کردند (جمشیدی راد، ۱۳۸۹: ۱۸۲). تکفیری‌ها بخشی از گروه‌های رادیکال سلفی هستند که در دهه‌های اخیر توانسته‌اند در میان توده‌های مسلمان به‌ویژه اقلیت‌های مختلف اهل تسنن نفوذ پیدا کنند و با تکفیر افرادی که موافق با آن‌ها نمی‌اندیشند خشونت و جنایات زیادی مرتکب شوند. تجربه این گروه از جمله در دوران طالبان در افغانستان و حضور داعش و جبهه النصره در عراق و سوریه این ادعا را تأیید می‌کند. تکفیری‌ها با استفاده از مفاهیم مقدسی مانند بازگشت به سلف صالح، جهاد، خلافت، شهادت و سوءاستفاده از جهل، ناآگاهی و فقر مخاطبان و همچنین حمایت کشورهایمانند امریکا، توانسته‌اند اندیشه تکفیر را در سطح وسیعی نشر و گسترش دهند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). از جمله دلایل اصلی گسترش اندیشه تکفیر حمایت عربستان سعودی از آن است. پرسش این است که به چه دلایلی اندیشه تکفیر مورد حمایت عربستان سعودی قرار گرفت و این کشور چه نقشی در گسترش اندیشه تکفیر در دوره معاصر داشته است؟

به نظر می‌رسد اندیشه تکفیر بدون حمایت کشورهای خارجی، چه کشورهای مسلمان و چه قدرت‌های بیگانه نمی‌تواند گسترش یابد. با توجه به اینکه مذهب وهابیت بر مبنای رویکرد سلفی‌گری و اندیشه تکفیر شکل گرفته و به‌عنوان مذهب رسمی عربستان سعودی پذیرفته شده

است، این کشور با روش‌های مختلفی مانند تبلیغ رسمی، حمایت مالی، حمایت از گروه‌ها و جریانات تکفیری و غیره سعی در گسترش اندیشه تکفیر دارد. از آنجا که تکفیرگرایان با جریان‌های مخالف خود به‌ویژه شیعیان با عداوت و خشونت رفتار می‌کنند و جمهوری اسلامی ایران نیز در سطح منطقه به‌عنوان رهبر بلوک شیعی به‌شمار می‌رود، عربستان سعودی سعی کرده است با گسترش اندیشه تکفیر و حمایت از جریان‌های تکفیری به مقابله با مذهب شیعه و جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. بر این مبنا آن بخش از پژوهش که به اقدامات مختلف عربستان سعودی با هدف گسترش اندیشه تکفیر و حمایت از گروه‌ها و جریانات تکفیری پرداخته، توصیفی است و آن بخش که با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری برای تحلیل نقش عربستان سعودی در گسترش اندیشه تکفیر بهره برده است و به چگونگی برآوردن این اهداف پرداخته، تحلیلی است. گردآوری مطالب نیز به شیوه کتابخانه‌ای است.

۱. چهارچوب نظری: کاربست تئوری سازه‌انگاری در سیاست و روابط بین‌الملل

در این بخش در ابتدا در مورد تئوری سازه‌انگاری توضیحاتی ارائه می‌شود و در ادامه چگونگی به‌کارگیری این تئوری در سیاست و روابط بین‌الملل مطرح می‌شود.

۱-۱. گزاره‌های هستی‌شناختی سازه‌انگاری

نیکلاس اونف^۱، نخستین کسی بود که در سال ۱۹۸۹ مفهوم سازه‌انگاری^۲ را در روابط بین‌الملل به کار گرفت (اکبری کریم‌آبادی و صدرا، ۱۳۹۲: ۳۸). سازه‌انگاری بر ایجاد شرایط و ساخت اجتماعی واقعیت تأکید دارد (Cahan, ۲۰۱۸: ۱۷۸). سازه‌انگاری در بردارنده سه گزاره اصلی هستی‌شناسانه است. نخستین گزاره این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ دومین گزاره، هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل

1. Nicholas Onuf
2. Constructivism

می‌دهند؛ بر اساس گزاره سوم، کارگزاران و ساختارها به هم متقابلاً شکل می‌دهند. سازه‌انگاران به این دلیل بر اهمیت ساختارهای معنایی و هنجاری تأکید دارند که این‌ها به هویت‌های اجتماعی بازیگران سیاسی نیز شکل می‌دهند. همچنین می‌گویند که فهم چگونگی مشروط شدن هویت‌های بازیگران توسط ساختارهای غیرمادی مهم است؛ زیرا هویت‌ها بر منافع و از این طریق بر کنش‌ها مؤثرند (برچیل، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

سازه‌انگاران نظام بین‌الملل را جامعه‌ای مرکب از کنشگران اجتماعی در حال تعامل با یکدیگر می‌دانند که تعامل آن‌ها بر مبنای قواعد و هنجارهایی است که به‌طور بین‌الذهانی شکل گرفته است (Guzzini, 2000: 160). از دیدگاه سازه‌انگاری، کنشگران بر اساس معانی که چیزها و سایر کنشگران برای آن‌ها تولید می‌کنند عمل می‌نمایند. این معانی بین‌الذهانی در تعامل شکل می‌گیرند، به‌گونه‌ای که افراد از محیط اجتماعی - سیاسی اطراف، نوعی طرح شناختی یا چهارچوب ذهنی خاص در ذهن خود می‌سازند و این تصورات به‌جای واقعیات عینی و بیرونی، هویت و رفتار آن‌ها را تعیین می‌کنند (آدمی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۴۲). سازه‌انگاری، عقاید و ذهن را کلید ساخت و شناخت رفتار سیاسی می‌داند و بر این باور است که منشأ و انگیزه رفتار سیاسی، غالباً از ساختار ذهنی و درک ذهنی نشأت می‌گیرد. هویت نیز عبارت است از درک، فهم‌ها و انتظاراتی که بازیگران در مورد خود دارند. سازه‌انگاران برای توضیح چگونگی شکل‌گیری منافع، بر هویت‌های اجتماعی این بازیگران تأکید می‌کنند. از نگاه آن‌ها منافع ناشی از روابط اجتماعی است (اکبری کریم‌آبادی و صدرا، ۱۳۹۲: ۳۸).

از دیدگاه سازه‌انگاران، ساختارهای هنجاری، فکری و نظام‌های معنایی تعیین می‌کنند که بازیگران چگونه محیط مادی خود را تفسیر می‌کنند. از این نظر واقعیت‌های بین‌المللی توسط ساختارهای معرفتی‌ای که به دنیای مادی معنا می‌دهند شناخته می‌شوند و بازیگران نسبت به موضوعات و بازیگران دیگر بر اساس معنا و مفهومی که آن موضوعات برایشان دارند عمل می‌کنند و از این‌رو رفتار با دوست و دشمن متفاوت است. ظرفیت انسان در بیان مفاهیم و یا آموزش وی، تأثیر زیادی بر شیوه تعریف دنیای مادی و درک و تجربه از محیط پیرامون می‌گذارد. ادراک جمعی به انسان‌ها دلایل وجود را می‌دهد و آن‌ها را به چگونگی استفاده از قدرت و توانایی‌های مادی هدایت می‌کند (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۲). از نظر سازه‌انگاران، زمانی به بحث منافع می‌رسیم که دارای هویت باشیم. آدلر با محور قرار دادن مقوله هویت، اشاره می‌کند که هویت دولت‌ها محور تعریف آن‌ها از واقعیت و برساختن مسائلی مانند قدرت، منافع

ملی، دوست، دشمن، امنیت و درنهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آن‌هاست (مرتضویان، عبدالخانی و حطه، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

۲-۱. سازه‌انگاری در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل

از منظر سازه‌انگاران هویت‌ها نمایشی از درک انسان‌هاست، از اینکه چه کسی هستند که به نوبه خود علائق آن‌ها را نشان می‌دهد (Theys.2018: 2)؛ و از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند که به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند؛ اینکه خود را دوست، دشمن، یا رقیب دیگری بدانند، تفاوت بسیار در تعامل آن‌ها ایجاد خواهد (ونت، ۱۳۹۰: ۳۴۸). دولت‌ها با این تصورات به دنبال تغییر یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند یا علیه دیگران اقدام می‌کنند (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۲). همچنین بازیگران بر پایه درک و تصویری که از هویت خود دارند به تعریف منافع ملی خود می‌پردازند و سیاست خارجی آن‌ها برآیند این تعریف از منافع است. به باور الکساندر ونت^۱ هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اتخاذ سیاست خارجی از سوی دولت‌ها می‌شوند. به‌عنوان مثال عربستان سعودی بر اساس هویت وهابی و ایدئولوژی سلفی-حنبلی خود، از گروه‌های بنیادگرای سنی-تکفیری در منطقه خاورمیانه حمایت می‌کند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۱۱)؛ بنابراین عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس به این دلیل از گروه‌های تکفیری حمایت می‌کنند که آن‌ها را در راستای هویت و منافع خود و در تعارض با ایدئولوژی رقیب (شیعی) می‌دانند.

در ادامه باید گفت تأکید سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار-ساختار، باعث می‌شود تا ضمن تبیین تأثیراتی که ساختار بر کارگزار و بالعکس می‌گذارد، فهم دقیق‌تری از تحولات درونی هرکدام نیز به دست آید. به‌عنوان نمونه در مورد گروه‌های تکفیری باید گفت که ادراک، هویت و کنش گروه‌های سلفی-افراطی، ناشی از تطبیق یافتن هنجارهای درونی آن‌ها با ساختارهای بیرونی است و با تغییرات ساختاری در بیرون باید انتظار داشت میزانی از تحولات هویتی در سلفی افراطی‌ها رخ دهد. همان‌گونه که ویل مک کانت^۲ می‌گوید: «سلفی‌هایی که از خشونت استفاده می‌کنند از سلفی‌های غیر خشونت‌طلب جدا نیستند، آنچه باعث تفاوت در هدف و

1. Alexander Wendt
2. Will McCant

نوع کنشگری آن‌ها می‌شود، شرایط محیط پیرامونی و ادراک سلفی‌ها از آن است» (مرادی و کلاتری، ۱۳۹۹: ۱۰۹). بدین ترتیب اگر شرایط بیرونی و ساختاری برای فعالیت این گروه‌ها مهیا باشد، به فرض اینکه خود این گروه‌ها نیز آمادگی فعالیت‌های خشونت‌آمیز داشته باشند، این امر با موفقیت و تحرک بیشتری صورت می‌پذیرد، ولی اگر ساختار بیرونی اجازه فعالیت را به آن‌ها ندهد، محدودیت‌های زیادی برای آن‌ها به وجود خواهد آمد؛ بنابراین می‌توان گفت در مواقعی که شاهد فعالیت و تدروی این گروه‌ها بوده‌ایم، به نوعی حمایت بازیگران خارجی را با خود همراه داشته‌اند.

به‌طور کلی مسئله هویت و ایدئولوژی در منطقه خاورمیانه باعث ایجاد شکل خاصی از روند تعاملات و مراودات شده است. امروزه کشورهایمانند عربستان سعودی بر مبنای هویت سلفی-وهایی خود سعی در حمایت از اندیشهٔ تکفیر و گروه‌های تکفیری دارد. حامی گروه‌های تکفیری-جهادی نقشی است که برای عربستان سعودی بر مبنای هویتی که دارد تعریف شده است. البته این حمایت‌ها در راستای منافع و اهداف این کشور، در جهت تضعیف رقیب شیعی مذهب خود، یعنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.

۲. گسترش اندیشهٔ تکفیر به وسیله عربستان سعودی

وجود اماکن مذهبی چون خانه خدا و مدینه‌النبی، پرده‌داری خانه کعبه، ایفای نقش میزبان حجاج مسلمان و نگاهبان حرمین شریفین، همچنین فراوانی درآمدهای نفتی عربستان و نبود نظارت قانونی بر شکل خرج کردن آن سبب شده است تا به حاکمان این کشور احساس مشروعیت و جاهت مذهبی دست داده و سعی کنند رهبری جهان عرب سنی را به دست گیرند و با کمک‌های مالی به کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای فقیرتر مسلمان به ترویج آیین وهابیت و اندیشهٔ تکفیری پردازند (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۷). مجموعه این شرایط عربستان را به مهم‌ترین حامی اندیشهٔ تکفیر و جریانات تکفیری تبدیل کرده است. در این راستا عربستان از راهکارهای زیادی بهره می‌برد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. رویکرد آموزشی عربستان در راستای حمایت از تفکر تکفیر

با توجه به اینکه در مباحث سازه‌انگاری آموزش امری مهم و بر نگرش انسان تأثیرگذار است و انسان از این طریق دنیای مادی را درک و تجربه کرده و بر محیط پیرامون اثر می‌گذارد، برای

عربستان سعودی نیز این مسئله از درجه بالایی از اهمیت برخوردار است. افرادی که آموزش داده می‌شوند معانی خاصی را در ذهن خود ادراک کرده و دوستان و دشمنانشان از این طریق در ذهن آن‌ها پدیدار می‌شوند. رویکرد آموزشی که عربستان سعودی برای ترویج و گسترش اندیشه سلفی-تکفیری و مذهب وهابیت در پیش گرفته است این است که به ایجاد مدارس مذهبی و نهادهای آموزشی مانند دانشگاه‌های اسلامی در داخل و خارج عربستان پردازد و با صرف هزینه‌های زیاد مبلغان مذهبی تربیت کند.

با تثبیت دولت سعودی، ملک عبدالعزیز به تدریج سیاست نظامی خود را به سیاست فرهنگی و آموزشی تغییر داد تا مردم حجاز را بر اساس آئین وهابیت تربیت کند، لذا تعلیم و تربیت در نظام سعودی منحصرأ بر اساس منهج ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب تعریف شد. برای درک این سیاست باید به دو مفهوم «تربیت» و «تصفیه» از دید ناصرالدین آلبنی، توجه کرد. از دید وی، منابع اسلامی را باید در سه گروه عقیده اسلامی، فقه اسلامی و تفسیر و حدیث بر اساس تعالیم سلفی مورد پردازش و بازنگری قرار داد، آنگاه بر اساس متون تصفیه‌شده که موافق عقاید سلفیه وهابیت است، به تربیت جوانان جهان اسلام مبادرت کرد (صداقت ثمر حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰). در این زمینه با تحلیلی سازه‌انگارانه می‌توان از تأثیر تاریخ و ارزش‌های تاریخی در شکل دادن به سیاست‌ها و منافع سخن گفت. در این راستا سازه‌انگاران معتقدند که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۱). بر این مبنا در عربستان سعودی سیاست فرهنگی-آموزشی بر مبنای آئین وهابیت و آراء ابن تیمیه پیگیری شد. با اکتشاف و استخراج نفت در سال ۱۹۳۸ م و تولید نفت و ایجاد ثروت در عربستان، کوشش شد تا تدریجاً حلقه‌های آموزشی وهابیت به سوی جهان اسلام گسترش یابد. بعدها جریان آموزش سلفیه در عربستان سعودی با تأسیس دانشگاه‌ها وارد مرحله جدیدی شد و با سرمایه‌گذاری بزرگ آل سعود، پروژه «اشاعه اندیشه وهابیت» در سراسر جهان، از طریق شبکه آموزش دانشگاهی سعودی دنبال شد (صداقت ثمر حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰).

امروزه وهابی‌ها در عربستان و دیگر مناطق شبه‌جزیره (قطر، امارات متحده، بحرین، عمان و یمن)، بنیادگرایان تکفیری را بعد از آموزش و پرورش به کشورهای مختلف خاورمیانه (لبنان، اردن، نوار غزه، سوریه و ...)، آسیای میانه (تاجیکستان و ...) آفریقای غربی (مالی، موریتانی و ...)، آفریقای شمالی (مصر، لیبی، الجزیره، تونس و ...) و مناطق مسلمان‌نشین جنوب روسیه

(چچن، داغستان و ...) می‌فرستند تا در آن کشورها و مناطق شرایط را برای استقرار حکومت‌های بنیادگرای دینی آماده سازند (مسعودنیا، مجیدی‌نژاد و عالیخانی، ۱۳۹۶: ۹۸).

ایجاد مدارس مذهبی و دانشگاه‌ها علاوه بر عربستان، در کشورهای دیگر نیز در دستور کار قرار دارد. ریاض از هر پژوهش منجر به تبلیغ حکومت سعودی و آیین وهابیت حمایت و پژوهش‌هایی را که با مذاهب دیگر موافق باشد، طرد می‌کند. مهم‌ترین دانشگاه‌هایی که توسط وهابیت اداره می‌شوند شامل: دانشگاه اسلامی در مدینه، ابن سعود در ریاض و دانشکده شریعت در دانشگاه عبدالملک عبدالعزیز است. همچنین مراکز علمی مروج وهابیت شامل مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی ملک فیصل، ملک عبدالعزیز و دبیرخانه عرب برای آموزش در کشورهای خلیج فارس است. کتابخانه‌های عربستان مجهز به کتب تبلیغی وهابیت و عقاید بزرگان آنان است. حوزه‌های علمی-دینی عربستان به شکل دانشگاهی تکامل یافته است، به گونه‌ای که با تربیت مبلغان مذهبی داخلی و خارجی، مروج آیین وهابیت هستند. وهابیان همچنین قرآن‌هایی با ترجمه تحریف‌شده چاپ و منتشر می‌کنند و به‌خصوص در ایام حج آن‌ها را در میان مسلمانان توزیع می‌کنند (روحی‌دهبانه و مرادی کلاذره، ۱۳۹۷: ۱۸۶-۱۸۵).

بنیاد اسلامی الحرمین از دیگر سازمان‌های آموزشی است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در عربستان آغاز به کار نمود. هدف اولیه این بنیاد گسترش وهابیت از طریق حمایت از آموزش‌های مذهبی، احداث مساجد و اجرای پروژه‌های بشردوستانه در سراسر جهان، به‌ویژه در کشورهای اسلامی بوده است. این بنیاد در طرحی بیش از ۳۰۰۰ مفتی آموزش‌دیده وهابی را برای تبلیغ به این مساجد و مراکز اسلامی گسیل داشته است تا به تبلیغ اسلام وهابی-تکفیری بپردازند. برای این کار عربستان بیشتر در کشورهای با اقتصاد ضعیف نفوذ می‌کند، از جمله در پاکستان و کشورهای جنوب شرقی آسیا به علت دارا بودن جمعیت عظیمی از مسلمانان فقیر، مقصد مناسبی برای اجرایی نمودن این هدف است (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۶).

عربستان که حامی اصلی توسعه وهابیت در پاکستان است، با اقدامات نرم‌افزاری مانند فعالیت‌های دانشگاهی، تأمین هزینه مدارس مذهبی، تأسیس مساجد جدید، احداث مراکز تبلیغی و کمک به سازمان‌های سیاسی وهابی مسلک، از آن حمایت می‌کند (هدایتی شهیدانی و کلاردمرادی، ۱۳۹۲: ۲۴۴). وهابی‌های سعودی از سال ۱۳۶۸ به بهانه کمک‌های آموزشی و انسان‌دوستانه به مهاجران افغان، وهابیت را در پاکستان گسترش دادند؛ به گونه‌ای که به گفته ایجاز‌الحق، وزیر پیشین امور مذهبی پاکستان، قریب به هشتاد درصد از مدارس پاکستان تعالیمی

مشترک و یا نزدیک به عقاید وهابیت را ترویج می نمایند. حزب جماعت اسلامی، جمعیت اهل حدیث، جمعیت علمای اسلام، حرکت المجاهدین کشمیر، حزب جماعت اسلامی کشمیر و سپاه صحابه از احزابی هستند که طرفدار وهابیت هستند و عربستان سعودی نیز کمک‌های مالی زیادی به این احزاب می کند (حسینی، عبدالخانی و حطه، ۱۳۹۴: ۶۸). بی‌سوادی در پاکستان در سطح بالایی است. در مقابل این ضعف، کشور پاکستان با انبوهی از مدارس مذهبی مواجه است، مدرسی که بیشترین تأثیر و نفوذ را در توسعه تفکرات افراطی تکفیری در پاکستان داشته‌اند. اصلی‌ترین ماده درسی در مدارس افراطی، جهاد بنا بر الگوی ترکیبی ایدئولوژیکی مکتب «دیوبندی» و مکتب «سلفی» است. در این مدارس، محتوای برنامه‌های آموزشی و تربیتی به گونه‌ای است که دانش‌آموختگان راه عملی ساختن آموخته‌های خود را در دست بردن به اسلحه می‌بینند. بخش زیادی از منابع مالی عربستان که به نام جهاد در افغانستان در اختیار پاکستان قرار گرفت، صرف تأسیس مدارس مذهبی شد (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۹۰). افراط‌گرایی موجود در افغانستان در قالب گروه طالبان نیز ریشه در مدارس مذهبی پاکستان و وهابیت عربستانی دارد (هدایتی شهیدانی و کلاردمرادی، ۱۳۹۲: ۲۴۴). بدین ترتیب مشخص می‌شود که عربستان سعودی با نهادهای آموزشی خود به تربیت و آموزش افراد زیادی در کشورهای مختلف مشغول است و بدین وسیله اندیشه تکفیر گسترش می‌یابد. مسئله دیگر نهادهای دینی و مذهبی در عربستان است که نقش ویژه‌ای در تبلیغ وهابیت و اندیشه تکفیر بر عهده دارند.

۲-۲. نقش نهادهای مذهبی عربستان در ترویج اندیشه تکفیر

سعودی با حمایت‌های معنوی و مادی از تأسیس سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی، سیاست آن‌ها را در جهت ترویج وهابیت تعریف کرده است. تشکیلات داخلی از قبیل: کبارالعلماء، رابط العالم الاسلامی، وزارت حج و اوقاف و ارشاد و شئون اسلامی، مراکز امر به معروف و نهی از منکر و پلیس مذهبی که تعدادی از این سازمان‌ها در کشورهای مختلف نمایندگی دارند و تشکیلات خارجی شامل: سلفیه شمال آفریقا، دیوبندیه، سپاه صحابه، القاعده، طالبان، جماعه التبلیغ، جماعت الاسلامی پاکستان و هندوستان، جندالله و غیره هستند. این سازمان‌های داخلی و خارجی با اقداماتی مانند تربیت و ارسال مبلغ، تعمیر و توسعه و ساخت مساجد و مدارس، نشر و ارسال قرآن، بورسیه دانشجویان و دیگر اقدامات، به ترویج افکار و عقاید و سیاست‌های وهابی-تکفیری می‌پردازند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۸).

نهادهای رسمی تبلیغات در حکومت سعودی مانند «علمای الکبار» و «العالم الاسلامیه» و مؤسسات حدیثی مرتبط با آنها در جهان اسلام با نگرشی تبلیغی برای ترویج وهابیت، مهم‌ترین عامل توسعه اندیشه تکفیر و افراط‌گرایی هستند (مرادی و کلاتری، ۱۳۹۹: ۱۱۸). یکی از نهادهای مهم در کنار خانواده سلطنتی، کبار العلماء یا شورای علمای بزرگ است که در سال ۱۹۷۱ م تأسیس و بالاترین مرجع و قدرت دینی در عربستان است. ریاست این هیأت بر عهده مفتی اعظم است. نهاد دینی در عربستان نه تنها با قدرت دولتی در هم تنیده است، بلکه ضمن کنترل نظام آموزشی و قضایی کشور، زمامداری خاندان آل سعود و اداره حرمین شریفین را مشروعیت می‌بخشد. این هیأت عالی‌ترین مسند صدور فتوا در عربستان محسوب می‌شود و شامل ۲۰ عالم دینی است که پیرو مذهب حنبلی با قرائت ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب می‌باشند (علیخانی، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

مفتی‌های وهابی از نفوذ بالایی در میان تکفیری‌ها برخوردارند و نقش زیادی در تحریک احساسات این افراد دارند. برای مثال رهبران القاعده فتوی دادند که همه مسلمانان آزاد و شرافتمند ترکی، عراقی، اردنی، لبنانی و غیره به کمک برادران سوری خود بروند. به این ترتیب، مفتی‌های وهابی، احساسات دینی و مذهبی افراطیون را برمی‌انگیزانند و با مهیا کردن فکری و انگیزشی زمینه‌های ورود آنان به میدان مبارزه را فراهم می‌آورند (کریمی و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۱). در حال حاضر تکفیر مسلمانان غیر وهابی آشکارا توسط نهادهای رسمی افتاء عربستان سعودی ترویج و تبلیغ می‌شود. مطابق فتاوی محمد بن عبدالوهاب، مسلمانان معتقد به توسل، تبرک، زیارت اولیاء الله و... در شمار مشرکان قلمداد شده و احکام کافر و مشرک بر آنها اعمال می‌شود. همچنین تکفیر مسلمانان شیعه در دهه‌های اخیر توسط مفتیان رسمی سعودی شدت بیشتری گرفته است. به طوری که متفکران مسلمان فتاوهای تکفیر را «موضع رسمی عربستان» و «بدترین اتفاق ممکن برای مسلمانان» می‌دانند که باعث کشتار روزانه بسیاری از مسلمانان در نقاط مختلف جهان شده است (خورمیزی، ۱۳۹۹: ۵۶). همچنین باید گفت که رهبران وهابی نقش مؤثری در نظارت بر عملکرد پادشاه و حفظ وفاق اجتماعی در عربستان سعودی ایفا می‌کنند. حکام ریاض نیز خود را ملزم به در نظر گرفتن عقاید بازماندگان ابن عبدالوهاب یا «آل الشیخ» می‌دانند. مناصب اصلی مذهبی مانند مفتی کل، وزارتخانه‌های امور اسلامی، اوقاف، تبلیغ و ارشاد و ریاست مجلس «مشورتی» نیز مستقیماً توسط آنان اداره می‌شود. وهابیان در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی نیز مشارکت دارند. این گروه که شامل علمای مذهبی،

بنیادها و مدارس علوم دینی و مساجد است، از مهم‌ترین گروه‌های ذی‌نفوذ در عربستان هستند که غیرمستقیم از طریق خطبه‌ها، خطابه‌ها و نشریات وابسته، در سیاست خارجی آن نقش ایفا می‌کنند (هدایتی شهیدانی و کلاردمرادی، ۱۳۹۶: ۹۶). بدین ترتیب می‌توان گفت نهادهای مذهبی نقش اساسی در شکل دادن به سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی دارند و همچنین نقش ویژه‌ای در ترویج اندیشه و ایدئولوژی وهابی-تکفیری ایفا می‌کنند.

۲-۳. رویکرد تبلیغاتی-رسانه‌ای عربستان سعودی در ترویج اندیشه تکفیر

در این رویکرد ریاض به دنبال نوعی تصویرسازی ذهنی در مشروعیت‌سازی برای سیاست‌های خویش است. سیاست‌گذاران سعودی به‌خوبی به این مطلب واقف‌اند که قدرت نوین در نظام اطلاعاتی نهفته است که مردم بر محور آن‌ها زندگی خود را می‌سازند و درباره رفتارهای خود تصمیم می‌گیرند. بر اساس رویکرد سازه‌انگاری و تصویرسازی ذهنی، انسان بیش از آنکه با واقعیات سروکار داشته باشد با برداشتی که از واقعیات دارد مواجه است و نهایتاً بر اساس همین برداشتها و تصاویر تصمیم‌گیری می‌کند (روحی‌دهبه و مرادی کلادره، ۱۳۹۷: ۱۹۳). بدین ترتیب عربستان سعودی سعی کرده در مسیر دیپلماسی عمومی و فرهنگی از رسانه‌ها و تبلیغات برای ترویج آیین وهابیت و تفکر سلفی-تکفیری بهره‌برد. در اقدامات سازمان‌های تبلیغی برای گسترش نفوذ وهابیت در کشورهای دیگر، به‌ویژه با استفاده از فقر اقتصادی و جایگاه ژئوپلیتیک عربستان برای مسلمانان به‌ویژه اهل سنت، این کشور اقدامات زیادی را مورد توجه قرار داده است. در ذیل به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود:

- ساخت مدارس و مراکز آموزش قرآن و اعطای کمک‌های مالی به آن‌ها،
- اعطای بورس تحصیلی به محصلین کشورهای مسلمان،
- فرستادن طلاب مسلمان به مدارس دینی در عربستان که پس از پایان تحصیلات رایگان در دانشگاه‌های آن کشور به‌عنوان شیوخ و ائمه جمعه و جماعات در مساجد و مدارس متعلق به وهابیان به کار مشغول می‌شوند،
- توزیع بلیت‌های رایگان حج به‌ویژه بین علمای بزرگ تا چهره مطلوب و خوشایندی از خود ترسیم کرده و آن‌ها را به سمت وهابیت متمایل سازند،
- ساخت مساجد در شهرها و روستاها که توسط شیوخ وهابی اداره می‌شوند و به‌عنوان مراکز اصلی تبلیغ وهابیت محسوب می‌شوند،

- پرداخت مستمری به برخی مبلغان وهابی،
- توزیع گسترده کتب و مجلات اسلامی چاپ عربستان در مساجد،
- استفاده از شبکه‌های تلویزیونی برای تبلیغ وهابیت (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

در این مسیر از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی فعالیت رسانه‌ای شیوخ وهابی مورد حمایت عربستان سعودی رشد یافت که حجم معنادار فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های عربستان سعودی به‌عنوان کارشناسان مذهبی در این شبکه‌ها بسیار نمایان است. شبکه‌های ماهواره‌ای المجد (تأسیس ۲۰۰۲)، الناس (تأسیس ۲۰۰۵)، الرحمه (تأسیس ۲۰۰۵)، الحکمه (تأسیس ۲۰۰۷)، اثر (تأسیس ۲۰۰۸)، صفا (تأسیس ۲۰۰۹)، وصال (تأسیس ۲۰۱۰)، کلمه (تأسیس ۲۰۱۱) و غیره از آن زمره هستند. این بدان معناست که حتی در مطالعه رسانه‌هایی که بر طبل تکفیر و تفرقه میان امت می‌کوبند، باید اولویت اول را به مطالعه درباره مراکز آموزشی در عربستان اختصاص داد. عربستان از طریق امکانات مالی عظیم و موقعیت جغرافیایی عالی و مراکز پژوهشی خود، درصدد تغییر شجره‌نامه‌های علمی شیوخ اسلامی، به شجره‌نامه‌های سلفیه وهابی حجاز است که دورترین زمینه را برای تقریب مذاهب اسلامی دارا هستند (صداقت‌ثمر حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲).

همچنین وهابیت با تشویق و گاه تهدید نویسندگان و عمال خود به تدوین کتاب و مجلات با شمار بالا اقدام کرده و در تمامی نقاط دنیا آن‌ها را توزیع می‌کند. از جمله دیگر کارهای این گروه، نوشتن کتاب در مورد عقاید خود و چاپ آن با نام دیگران است؛ مانند کتاب *الشیعة و التصحیح* به نام سید موسی موسوی. همچنین مطبوعاتی به زبان عربی و انگلیسی در داخل و خارج منتشر می‌شوند که زیر نظر دولت سعودی است. از جمله مجلات و روزنامه‌های الجزیره، الرياض، الندوه، الدعوه و خورشید عربی است. رادیو و تلویزیون نیز زیر نظر دولت و وزارت اطلاعات برنامه‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی با زبان‌های مختلف پخش می‌کند. در حال حاضر از یک‌هزار و هشتصد شبکه ماهواره‌ای فعال در منطقه سیصد شبکه آن برای تبلیغ وهابیت برنامه‌سازی شده است؛ مانند شبکه المستقله و الشارقه که منبر وهابیت در ایران هستند. نزدیک به چهل هزار سایت اینترنتی و چهار هزار وب‌سایت به‌صورت شبانه‌روزی علیه شیعه فعالیت دارند و به هک کردن سایت‌های مروج فرهنگ شیعه می‌پردازند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

به اعتقاد سازه‌انگاران یک دولت قدرتمند لزوماً نباید صاحب قدرت اقتصادی و نظامی باشد، بلکه باید توانایی ایجاد آن‌چنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به‌راحتی به خلق و ایجاد رفتارهای موردنظرش بپردازد (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹). در روابط بین

کشورها، انگاره‌ها می‌توانند بر روی هویت‌ها و منافع و سیاست‌ها اثر بگذارند و تغییر جهت از توانایی‌ها به‌سوی هویت‌ها آن چیزی است که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند تا موقعیت خودشان را در ساختار تبیین کنند (مرتضویان، عبدالخانی و حطه، ۱۳۹۱: ۱۱۲). یکی از مناطقی که مورد توجه و علاقه عربستان سعودی برای فعالیت در مسیر دیپلماسی عمومی بوده است منطقه آسیای مرکزی است. عربستان سعودی به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی سعی زیادی در نفوذ در این منطقه به‌منظور ترویج اندیشه تکفیر داشته است.

عربستان سعودی با در اختیار داشتن مکان‌های مقدس مذهبی و کلیدداری کعبه و رهبری جهان اسلام سنی پا در این مسیر گذاشت. در سال ۱۹۹۱ پس از آنکه جمهوری‌های آسیای مرکزی به استقلال دست یافتند، دیگر کشورها با تکیه به توان نظامی، اقتصادی، مشترکات تاریخی و فرهنگی خویش راهی آسیای مرکزی شدند، اما سعودی‌ها در چهارچوب دیپلماسی عمومی با ابزار ایدئولوژی راه آسیای مرکزی را در پیش گرفتند. سعودی‌ها با تکیه بر ظرفیت‌های زیارتی شهرهای مکه و مدینه، سعی کردند تا آموزه‌های وهابیت را در سراسر منطقه ترویج کنند. در میان پنج جمهوری این منطقه دو کشور ازبکستان و قرقیزستان به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های تندروانه، استقبال مناسبی از طرح سعودی‌ها به عمل آوردند (میرعلی بیداخویدی و شفائی، ۱۳۹۹: ۸).

تلاش تبلیغی سعودی‌ها در ادامه ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد. آنان با استفاده از ضعف ساختاری دولت‌های منطقه، آشکارا طرح‌هایی برای آموزش دینی نوجوانان و جوانان در سطحی وسیع در دست گرفتند. در این راستا نهادهای دولتی و غیردولتی عربستان کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای را در اختیار نهادها و مؤسساتی قرار می‌دادند که به امر تبلیغ وهابیت در آسیای مرکزی مبادرت می‌ورزیدند. همچنین دولت عربستان بورس‌های تحصیلی فراوانی را در اختیار دانشجویان این منطقه جهت تحصیل در مراکز علمی و آموزشی عربستان گذاشته بود (میرعلی بیداخویدی و شفائی، ۱۳۹۹: ۹). گروه بین‌المللی بحران در گزارشی آورده است که بالا گرفتن کار داعش در آسیای مرکزی محصول عمل سعودی‌ها و نفوذ اندیشه وهابیت در سال‌های نخست استقلال در این منطقه است. بر پایه این گزارش در اوایل دهه ۱۹۹۰، عربستان با ساختن مدارس مذهبی، کمک‌های مالی به مسلمانان سنی مذهب، میسیونرهای مذهبی خود در آسیای مرکزی به‌ویژه دره فرغانه و تبلیغ وهابیت در سفرهای حج این منطقه توانست اندیشه وهابیت را در بین مسلمانان این منطقه گسترش دهد (میرعلی بیداخویدی و شفائی، ۱۳۹۹: ۱۳)؛ بنابراین اسلام سلفی-تکفیری

از طریق وهابیت ساکن عربستان به طور رسمی در این منطقه گسترش یافت. بدین ترتیب با توجه به نظریه سازه‌انگاری برای تبیین رفتار کنشگران بین‌المللی بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به‌طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت‌ها و اندیشه می‌بایست تأکید کرد. دیپلماسی و فرهنگ در این نظریه از پیوند محکمی برخوردارند تا حدی که اهمیت قدرت نرم، قدرت اعمال نفوذ از طریق نیروی ایده‌ها، نهادها، ارزش‌ها و فرهنگ را برجسته کرده است (محمودی کیا و فرهادی، ۱۳۹۸: ۱۵۷). بدین ترتیب عربستان سعودی با آگاهی از اهمیت دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، اقدامات و فعالیت‌های خود را در رقابت با کشورهای رقیب خود مانند ایران و ترکیه در منطقه پیش برد.

۴-۲. حمایت مالی عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری

حمایت عملیاتی از تروریسم تکفیری یک راهبرد اساسی عربستان سعودی است. بر اساس گزارش مؤسسه راند آمریکا، عربستان از تأمین‌کنندگان مالی تروریست‌های تکفیری در سراسر جهان است. ریاض با گشودن مرزها و اعطای کمک‌های تسلیحاتی و مالی به گروه‌های تکفیری، آن‌ها را در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه عراق و سوریه حمایت می‌کند. اظهارات اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده، مبنی بر اینکه تسلیحات القاعده توسط آمریکایی‌ها و پول سعودی‌ها تأمین می‌شود، مؤید همین نکته است. در بحران سوریه نیز عربستان با ارسال کمک‌های مالی و نظامی درصدد تقویت توانمندی‌های مخالفان اسد به‌ویژه ائتلاف ملی، ارتش آزاد و سایر گروه‌های معارض نظام است (هدایتی شهیدانی و کلاردمرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). از همان ابتدای بحران سوریه، عربستان و قطر از حامیان مالی تروریست‌های سوریه بودند. تأمین سلاح و دلارهای نفتی شیخ‌نشینان به کمک داعش و النصره آمد و آنان توانستند مناطقی از سوریه را تصرف کنند.

همچنین نهادهای امنیتی و اطلاعاتی عربستان پشتوانه مناسبی برای جذب نیرو و حرکت‌های گروه‌های تکفیری بوده‌اند؛ به‌طوری‌که در چند دهه گذشته عربستان یکی از کشورهایی بوده که نقش اصلی را در کادرسازی و حمایت‌های مالی از گروه‌های سلفی - تکفیری بر عهده داشته است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۵۱). همچنین عربستان از طریق نهادهایی چون «رابطه

الاسلامیه» به ترویج وهابیت و از شروع جهاد در افغانستان تاکنون با استفاده از سازمان‌هایی نظیر «سازمان جهانی امداد اسلامی» و «لیگ جهانی جوانان مسلمان»، حمایت مالی و معنوی از گروه‌های افراطی صورت می‌دهد (آدمی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۳۵)؛ بنابراین مشخص است که بدون حمایت مالی کشورهایمانند عربستان سعودی گروه‌های تکفیری-جهادی قادر نیستند منابع لازم برای انجام فعالیت‌ها و اقدامات خود را فراهم کنند.

۵.۲. تأثیر رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی در حمایت از جریان‌های تکفیری

کشورهای عربستان سعودی و ایران به‌عنوان راهبران و نمایندگان دو بلوک سنی و شیعی در منطقه خاورمیانه با یکدیگر در تقابل هستند. طرح موضوع «هلال شیعی» توسط برخی از حاکمان عرب منطقه، راه را برای ضدیت تکفیری‌ها با شیعیان هموار کرد. فروپاشی دولت خودخوانده طالبان و گسیل هدفمند اعضای القاعده توسط عربستان و دیگر کشورهای عربی و هم‌زمانی تقریبی آن با جنبش بیداری اسلامی، سبب شده که شیعه‌ستیزی به گونه‌ای جدی در دستور کار تکفیری‌ها قرار گیرد. تحلیل محتوای بیانیه‌ها و اقدامات ابومصعب الزرقاوی، رهبر القاعده در عراق، ابوبکر البغدادی، رهبر داعش و رهبران دیگر این جریان، مؤید این نظر است. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های ابومصعب الزرقاوی، تئوری پردازی برای جنگ با شیعیان بود. او شیعیان را مهم‌ترین دشمن معرفی کرده و مقابله با آن‌ها را بر دشمنان صلیبی ترجیح داده بود (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۲۱).

به اعتقاد عربستان، گروه‌های مسلح وابسته به ایران، عربستان سعودی را محاصره کرده‌اند. سه گروه مسلح حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حشد الشعبی عراق، نمایندگان ایران در منطقه خاورمیانه هستند که با عربستان ستیز دارند (Anas. 2020: 18). ایران و عربستان که داعیه‌دار اسلام شیعه و سنی هستند، درگیر گسترش دادن ایدئولوژی خود در منطقه خاورمیانه هستند (Forouzan & Alishahi. 2018: 4). عربستان با حمایت از گروه‌های تکفیری-جهادی سعی در بازتولید ساختار سیاسی مدنظر خود دارد که نمونه بارز آن الگوهای مدنظر القاعده یا داعش در چهارچوب حکومت‌های بنیادگرا و بازگشت به خلافت اسلامی است (هدایتی شهیدانی و کلاردمرادی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). بعد از سال ۲۰۰۳، در عراق زمینه جدیدی برای سلفی‌های تکفیری برای مبارزه علیه کفار (امریکا) و اهل بدعت (شیعیان عراق) ایجاد شد (شهابی و حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۷).

عربستان نگران دولت شیعه عراق است که ممکن است شیعیان کویت، عربستان و بحرین را تحریک کند. (Adami & Pouresmaeili. 2013: 161) بدین ترتیب عربستان از گروه‌های سنی که نیابت عربستان در عراق را بر عهده دارند حمایت می‌کند. (Fatima & et.al. 2017: 74) در صحنه میدانی نیز عربستان از گروه‌های تکفیری در مقابل نیروهای دولتی حمایت به عمل آورده است.

اگر با رویکرد سازه‌انگاری به این مسائل نظر کنیم، متوجه می‌شویم که واقعیت‌های ذهنی بین بازیگران منطقه منجر به شکل دادن به کنش‌ها و منافع بازیگران شده است. بازیگران منطقه بر اساس هویت‌ها و مباحث ایدئولوژیک اساس دوستی‌ها و دشمنی‌های بین خود را بر ساخته‌اند. کشورهای سنی مذهب به دلیل اینکه هویت خود را در کشورهایی با مذهب تسنن تعریف کرده‌اند، خود را در تقابل با کشورهای شیعی مذهب قرار داده‌اند. اگرچه ممکن است در صحنه بین‌المللی و بر اساس واقعیت‌های ژئوپلیتیک و منافع ملی، نه تنها به کشورهای حامی مذهب تشیع دشمنی نداشته باشند، بلکه منافع‌شان همپوشانی داشته باشد، ولی بر اساس هویت، دوست و دشمن خود را تعریف کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

سلفیه اصطلاح نوظهوری در تاریخ اندیشه اسلامی است که گروهی از اهل حدیث و پیروان احمد بن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب برای خویش برگزیده‌اند. اینان در روش شناخت نقل‌گرا و در فهم نقل، ظاهرگرا هستند، عقل را شایسته فهم مسائل الهی نمی‌دانند، رسالتشان را تنها در فهم درست سخنان سلف می‌دانند. ریشه‌های فکری وهابیت را باید در اندیشه‌های ابن تیمیه جست‌وجو کرد. محمد بن عبدالوهاب قرن‌ها بعد مفسر و مبلغ این تفکر بود. در زمان محمد بن عبدالوهاب، شرایط اجتماعی و فرهنگی نجد و پیوند او با قدرت سیاسی آل سعود، باعث گسترش این تفکر شد. تکفیرگرایی از دل سلفی‌گرایی بیرون می‌آید و با توجه به اینکه وهابیت در عربستان سعودی مبتنی بر سلفی‌گرایی است، بنابراین در پی رشد و گسترش اندیشه تکفیر برآمده‌اند.

بیشتر پژوهش‌ها در تاریخ و ادوار اندیشه تکفیر، به جنبه کلامی و اعتقادی این جریان توجه دارند، درحالی‌که تحلیل عینی، شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی رشد این اندیشه و تبدیل آن به کنش‌های خشونت‌آمیز در تبیین دلایل رشد و گسترش این جریان نقش مهمی دارد. یکی

از عوامل عینی در رشد و گسترش اندیشه تکفیر، نقش قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در این بین نقش عربستان سعودی در حمایت از جریان‌های تکفیری و ترویج اندیشه تکفیر بیش از سایر کشورهاست. هویت عربستان بر پایه سلفی‌گری بر مبنای مذهب وهابیت است؛ بنابراین قرابت خاصی با اندیشه تکفیر دارد. این کشور به‌عنوان رهبر کشورهای سنی منطقه خاورمیانه، در رقابت با ایران به‌عنوان رهبر بلوک شیعی، سعی دارد از جریان‌های تکفیری برای تضعیف بلوک شیعی استفاده کند؛ بنابراین شاهد حمایت‌های وسیع عربستان از جریان‌های تکفیری هستیم؛ هم در بعد مباحثی مانند ایجاد نهادهای آموزشی و پرورشی، هم در بعد حمایت‌های اقتصادی و مالی و هم در بعد نظامی و کمک‌های نظامی به این جریان‌ها عربستان نقش ویژه‌ای دارد. مسئله هویت در این فرایند نقش مهمی دارد. سعودی‌های وهابی با تعریف غیروهابی‌ها به‌عنوان افراد مشرک و حکم به تکفیر آن‌ها، به‌ویژه در مقابل شیعیان قرار می‌گیرند و در این راستا از گروه‌های جهادی-تکفیری که در ضدیت با شیعیان هستند حمایت می‌کنند. مهم‌ترین مسئله در گسترش اندیشه و تفکر تکفیر، پیوند بین‌الادذانی است که به لحاظ هویتی به شکل‌گیری دوستان و دشمنان می‌انجامد. حمایت عربستان سعودی از اندیشه تکفیر و تکفیرگرایان به دلیل این است که به لحاظ هویتی دوست و هم‌کیش آن‌ها محسوب شده و با غیر هم‌کیشان خود به‌ویژه شیعیان می‌بایست در نبرد و تخاصم قرار گیرند. همه این عوامل دست در دست هم باعث شده است که اندیشه تکفیر رشد یابد و در سطوح وسیعی گسترش پیدا کند.

مباحث مطرح‌شده نشان می‌دهد که درگیری‌ها و تقابلات ایدئولوژیک بین کشورهای منطقه ساختاری دو قطبی بر مبنای تقابل شیعه و سنی ایجاد کرده است؛ بنابراین در مرحله اول به نظر می‌رسد که برای حل مسائل خاورمیانه می‌بایست نوع نگاه کشورهای راهبر منطقه، یعنی ایران و عربستان نسبت به تحولات منطقه عوض شود. این دو کشور هستند که عمده تحولات منطقه خاورمیانه را رقم می‌زنند و با توجه به اینکه هر دو کشور مسلمان هستند می‌توانند مشکلات خود را با یکدیگر حل و فصل کنند؛ بنابراین آینده خاورمیانه با نوعی ذهنیت مرتبط است که در آینده ظاهر خواهد شد. آینده به توانایی تغییر نگرش و رفتار افراد تأثیرگذار به‌ویژه ایران و عربستان بر منطقه بستگی دارد.

همچنین برای مقابله با اندیشه تکفیر در ابتدا باید به این مسئله توجه شود که سلفی‌گری و اندیشه تکفیر، یک نوع باور و اعتقاد و اندیشه است. اگر قرار است به‌صورت اصولی و ریشه‌ای این تفکر از بین برود و یا با آن مقابله شود باید به جنگ اندیشه‌ها رفت. نبرد اندیشه‌ها با اسلحه

حاصل نمی‌شود، بلکه باید اندیشه‌ای برتر و گفتمانی فراتر، اندیشه و اعتقاد فروتر را شکست دهد؛ بنابراین ضرورت دارد عالمان دینی و فقیهان در کنار روشنفکران و فرهیختگان به نقد الهیات و باورهای آن‌ها و سوءاستفاده از قرآن، اسلام و فقه و شریعت پردازند؛ بنابراین انجام اقدامات نرم که به شکل آگاه‌سازی وسیع فرهنگی و مذهبی باید با ابزار رسانه انجام شود ضروری است.

منابع

۱. آدمی، علی، مرادی، عبدالله. (۱۳۹۶) «ساختار نظام بین الملل و هویت یابی اسلام تکفیری»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۵۸-۲۳۰.
۲. اکبری کریم‌آبادی، نورالدین، صدرا، علیرضا. (۱۳۹۲) «تحلیل تحولات سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر نظریه سازه‌نگاری»، بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۱۴، صص ۶۱-۳۴.
۳. برچیل، اسکات. (۱۳۹۲) نظریه‌های روابط بین الملل، ترجمه سجاد حیدری فرد، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. پورحسن، ناصر، سیفی، عبدالمجید. (۱۳۹۴) «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۳۴-۷.
۵. جمشیدی راد، جعفر. (۱۳۸۹) «فرقه وهابیت و اهداف سیاسی آن»، مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۹۵-۱۸۰.
۶. حسینی، سیدمحمد؛ علی محمودی و زینب محمودی. (۱۳۹۴) «ریشه‌های پیدایش و رشد جریان‌های تکفیری در آسیای جنوب غربی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲، صص ۸۳-۵۳.
۷. خورمیزی، محمدرضا. (۱۳۹۹) «گونه‌شناسی تکفیر در جهان اسلام بر اساس خاستگاه سیاسی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۱، صص ۷۷-۴۹.
۸. رفیع، حسین. (۱۳۹۴) «تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط بین الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۲۱۱-۱۷۷.
۹. روحی دهبنه، مجید، مرادی کلادره، سجاد. (۱۳۹۷) «واکاوی نقش عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی با تمرکز بر رویکرد رسانه‌ای»، پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال سوم، شماره ۳، صص ۲۰۰-۱۷۸.
۱۰. شهابی، روح‌الله، حسین‌زاده، علی. (۱۳۹۴) «چیستی و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های جهادی-تکفیری»، پژوهش‌های سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۵۱-۲۶.
۱۱. صداقت‌ثمر حسینی، کامیار. (۱۳۹۵) «دولت سعودی و جاهلیت معاصر در سرزمین حجاز»، همایش ملی «اسلام و جاهلیت مدرن: چالش‌ها و بایسته‌ها، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مشهد، بهمن ماه.

۱۲. عظیم‌زاده اردبیلی، محمد منصور، مسعودنیا، حسین و جواد امام جمعه‌زاده. (۱۳۹۶)، «سازه‌انگاره سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۹۵-۱۲۸.
۱۳. علیخانی، مهدی. (۱۳۹۶) «هویت‌گرایی در سیاست خارجی عربستان سعودی و پیامدهای منطقه‌ای آن»، **مطالعات بین‌المللی**، سال چهاردهم، شماره ۳، صص ۲۱۰-۱۸۱.
۱۴. کریمی، جهانگیر. (۱۳۸۳) «سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی»، **راهبرد**، شماره ۳۱، صص ۱۷۴-۱۶۰.
۱۵. کریمی، علی، گرشاسبی، رضا. (۱۳۹۴) «ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیری سرویه»، **مطالعات ملی**، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۰۰.
۱۶. کوهکن، علیرضا، نزاکتی، فرخنده. (۱۳۹۳) «دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان»، **سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره ۳، صص ۲۳۴-۲۰۵.
۱۷. محمدیان، علی، ترابی، قاسم. (۱۳۹۴) «بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و چهارم، شماره ۹۳، صص ۲۶۶-۲۳۰.
۱۸. محمودی‌کیا، محمد، فرهادی، عباس. (۱۳۹۸) «بررسی مقایسه‌ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه بر اساس نظریه سازه‌انگاری»، **مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۷۸-۱۵۱.
۱۹. مرادی، عبدالله، کلاتتری، نصرالله. (۱۳۹۹) «مؤلفه‌های امکانی-امتناعی و کنشهای انطباقی در روندهای آینده افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام»، **فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۰۱.
۲۰. مرتضویان، سیدعلی، عبدالخانی، لنا، حطه، مصطفی. (۱۳۹۱) «گفتمان هویتی از منظر سازه‌انگاری در گفتگوی هسته‌ای ایران و نظام بین‌الملل»، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۱۳۸-۱۰۹.
۲۱. مسعودنیا، حسین، مجیدی‌نژاد، سیدعلی، عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۶) «تبیین تهدیدات تکفیریون پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو بعد کلان‌نرم و سخت سلفی»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۲۶-۹۸.
۲۲. میرعلی بیداخویدی، محمدعلی، شفائی، امان‌الله (۱۳۹۹) «تحلیل تطبیقی نقش ترکیه

- و عربستان سعودی در رشد افراط‌گرایی تکفیری در آسیای مرکزی پس از سال ۱۹۹۱»،
مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۹-۱.
۲۳. ونت، الکساندر. (۱۳۹۰) **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۴. هدایتی شهیدانی، مهدی، کلارد مرادی، سجاده. (۱۳۹۲) «مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیل چند سطحی»، **آفاق امنیت**، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۲۲۹-۲۵۵.
۲۵. هدایتی شهیدانی، مهدی، کلارد مرادی، سجاده. (۱۳۹۶) «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه»، **تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۳۰، صص ۱۱۴-۸۹.
۲۶. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۹۰) **تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
27. Adami, Ali & Pouresmaeili, Najmieh(2013) .) “Saudi Arabia and Iran: the Islamic Awakening Case”, **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 3, No. 4, Pp: 153-178.
28. Anas, Omair(2020) .) “Towards a New Security Architecture in the Gulf: Orsam Series on Middle East in Transition”, **Center for Middle Eastern Studies**, Available At: file:///C:/Users/SAYANG~1/AppData/Local/f.pdf.
29. Cahan, Jean Axelrad(2018) .) “National Identity and The Limits of Constructivism in International Relations Theory: A Case Study of the Suez Canal”, **National and Nationalism**, Vol. 25, No. 2, Pp: 478-498.
30. Fatima, Noor & Zehraa, Sania & Malik, Muhammad Shoaib(2017) .) “Saudi Arabia, Iran and Middle East-Adilemma”, **Global Political Review** Vol. 11, No. 1, Pp: 72-80.
31. Forouzan, younes & Alishahi, Abdolreza(2018) .) “Study of Iran-Saudi Relations in the Persian Gulf Region within the Framework of the Threat Balance”, **Journal of Political Sciences & Public Affairs**, Vol. 6, No. 1, Pp: 1-6.

32. Theys, Sarina2018) .) “Introducing Constructivism in International Relationstheory”, E-International Relations, Avaliable At: [Https://Ww-w.E-Ir.Info/Pdf/72842](https://www.E-Ir.Info/Pdf/72842).